

نقد آرای هیلن براند در خصوص مقبره‌سازی

سجاد حاجی‌بابایی¹ سیدجلیل موسوی² غلامرضا طلیسچی³ محمدرضا فریدونی⁴

¹ دانشجوی دکترای تخصصی، گروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران sajad_hajibabae@yahoo.com
² استادیار گروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. (نویسنده مسئول) mousavi_jalil@yahoo.com
³ استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. talischi@basu.ac.ir
⁴ استادیار گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. mr_fereydooni@basu.ac.ir
نویسنده مسئول: architects.mousavi@gmail.com
تاریخ دریافت: 1401/10/08 تاریخ پذیرش: 1402/07/16

چکیده

مذاهب مختلف اسلامی به ویژه شیعیان در قرون مختلف، مقبره سازی و زیارت قبر اولیای الهی را یکی از سنت‌های شرعی خود دانسته و آن را مورد توجه قرار می‌دادند. در سده های اخیر برخی مذاهب اسلامی این عادت دیرینه مسلمانان را بر خلاف آموزه‌های دین و کلام پیامبر دانسته و در یک قرن اخیر برخی مستشرقان آن را مخالف با اندیشه اسلامی بیان کرده اند. رابرت هیلن براند از مستشرقانی است که در حوزه معماری اسلامی صاحب نظر بوده و در کتاب "معماری اسلامی"، به دفعات ساخت مقبره را مخالف با آموزه های اسلامی معرفی می کند و در نوشته های خود آورده است که طبق قوانین اسلامی قبر نباید هیچگونه برآمدگی نسبت به زمین داشته باشد و حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) از هر کوششی برای علامت گذاری قبر به ویژه قبر خودش جلوگیری کرده است. ایشان معتقد است روایات متعدد نشان دهنده این نهی می باشد و در انتها نتیجه گیری کرده که بسیاری از مسلمانان پس از درگذشت پیامبر از سنت ایشان و دستورات اولیه اسلام تخطی کرده و به این عمل غیر دینی خود رنگ و بویی مذهبی داده اند. پژوهش حاضر بر آن است تا اشکالات آرای هیلن براند در خصوص مقبره سازی بر قبور اولیای الهی را بیان نماید و از آن جایی که آثار او از منابع مهم معماری اسلامی محسوب می‌شود و بر دیدگاه پژوهشگران معماری اسلامی تاثیر به سزایی دارد به تحلیل و بررسی و نقد آرای ایشان پرداخته تا درستی یا نادرستی دیدگاه های او نمایان شود. این مقاله از نظر نوع رویکرد جز پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد و با استفاده از روش کتابخانه‌ای مقبره سازی از سه منظر آیات قرآن کریم، روایات اولیای الهی و سیره مسلمانان در ادوار اولیه اسلام مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت نتیجه گرفته شد که ساخت مقبره بر مزار اولیای الهی نه تنها هیچگونه تعارضی با اصول آیین اسلام ندارد بلکه مورد تاکید قرآن و روایات بوده است.

کلیدواژه: مقبره‌سازی، معماری، امامزاده، هیلن‌براند، زیارت قبور، آموزه‌های اسلام

مقدمه

معماری اسلامی برای هر مکانی که آدمی حضور می‌یابد جدای از توجه به کالبد معماری از روح معنوی آن بنا غفلت نکرده است. زیارت قبور مطهر و تبرک بر مزار اولیای الهی از تاکیدات مسلم اسلام بوده و در روایات مختلف بر این مهم تاکید شده است، معماری اسلامی نیز از هر کوششی برای محترم شمردن این مکان استفاده کرده است و کمتر شهر یا روستایی را می‌توان یافت که سهمی از این بناها نداشته باشد به طوری که پس از مساجد بیشترین تعداد بنا را در معماری اسلامی به خود اختصاص داده است.

معماری مقابر و مزارات اسلامی با توجه به نوع عملکرد آن همواره مکانی برای عبادت خداوند و توجه به جهان واپسین و ارزش نهادن به فرد متوفی بوده و معماری آن نیز برگرفته از این کاربری بر این مبنا شکل گرفته است. با توجه به اینکه زیارت و آباد کردن قبور پیامبر و فرزندان ایشان در بین مسلمانان و به خصوص شیعیان متداول بوده و پیروان این مذهب برای این قبور احترام قابل توجهی قائلند و از آنجا که این موضوع مورد اختلاف میان برخی پژوهشگران و مکاتب اسلامی می‌باشد در این پژوهش این موضوع را مورد تجزیه و تحلیل دقیق قرار داده و در صدد پاسخ به سوالات زیر هستیم:

1- از منظر متون اسلامی و به خصوص متون شیعی، ساخت آرامگاهی برای انبیا و اوصیا و اولیای الهی چه دلالتی دارد؟

2- ساخت بنا، بر روی مقابر در اسلام و به خصوص تشیع چه پشتوانه‌ی تاریخی در اسلام دارد؟

پاسخ دادن به این سوالات باعث خواهد شد که علت ساخت امامزاده و حرم امامان پی برده و بررسی نماییم که ساخت این گونه بناها که خاصا جز هنر شیعه می باشد آیا با اسلام مخالفتی دارد؟

پیشینه پژوهش

در برخی کتب و منابع اسلامی مربوط به بررسی شبهاتی که متوجه دیدگاه شیعیان است به موضوع بنای بر قبور پرداخته شده است. اما منابعی که با تفصیل این مسئله را مورد بررسی قرار داده‌اند بسیار محدود می‌باشند چرا که مساله بنا بر قبور اخیرا مورد توجه قرار گرفته است و با پیدایش وهابیت و گرایش‌های سلفی این مساله بیشتر مورد توجه قرار گرفت. البته ریشه این مباحث در اختلافات بین علامه حلی در کتاب منهج الکرامه و ابن تیمیه در منهج السنه در قرن هفتم می‌باشد که نماد تقابل اندیشه‌های سلفی و شیعی می‌باشد. یکی از پژوهش‌هایی که این مسئله را با استناد به منابع اهل سنت بررسی کرده‌اند کتاب "شیعه شناسی و پاسخ به شبهات" نوشته علی اصغر رضوانی است. ایشان در فصل مربوط به مرگ و معاد دلایل مذهب اهل سنت در رد بنای بر قبور و ساخت مسجد بر قبر را مورد بررسی قرار داده و با استناد به روایات و سیره بزرگان اهل سنت نتیجه‌گیری می‌کند که هیچگونه منعی بر بنای بر قبور وجود ندارد (رضوانی، 1387). در پژوهشی دیگر تحت عنوان "وهابیت، مبانی فکری و کارنامه عملی" تالیف آیت الله جعفر سبحانی اثبات می‌شود که بزرگداشت قبور پاکان در صدر اسلام مسبوق به سابقه بوده و مراقد پیامبران حتی در طول تاریخ گواه اصالت تاریخی این مهم است (سبحانی، 1388).

اهمیت موضوع

در این پژوهش، کتاب معماری اسلامی هیلن براند از برجسته‌ترین پژوهشگران معماری قرن اخیر که در آن با دلایل مختلف بنای بر قبور را دور از اندیشه اسلامی و بدعتی از ناحیه مسلمانان متاخر می‌دانند مورد بررسی قرار دادیم. از آن جهت که کتاب معماری اسلامی هیلن براند از منابع مهم معماری اسلامی بوده تاثیر آشکاری بر اندیشه محققان این حوزه داشته است لذا در این تحقیق بحث بنای بر قبور را از جهات مختلف و با استناد به منابع قرآنی - روایی و در مذاهب شیعی-سنی بررسی کردیم. این مقاله از آن جهت که این موضوع را به تفصیل بررسی کرده و پاسخی مستدل به شبهات یکی از بزرگترین منابع معماری اسلامی است می‌تواند منبع خوبی برای محققان و به خصوص اندیشمندان معماری باشد.

1. هیلن براند و حوزه هنر و معماری اسلامی

1-1 هیلن براند¹

رابرت هیلن براند متولد 1941 دانش آموخته دانشگاه های کمبریج و آکسفورد بوده و پس از اتمام تحصیل خود از سال 1971 در دانشگاه هنرهای زیبا دانشگاه ادینبورگ مشغول به تدریس شد؛ ایشان در حوزه هنر ایرانی و اسلامی تخصص داشته و به کشورهای مختلف اسلامی سفر کرد و استاد مدعو در دانشگاه های یو سی ال ای، بامبرگ، کالج دارتموث، و گرونینگن بوده است. در سال 1989 کرسی هنر اسلامی را دریافت کرد، پژوهش های او بر روی معماری، هنر و پیکرنگاری اسلامی به ویژه در ایران و سوریه متمرکز است. وی حدود 120 مقاله در زمینه جنبه های هنر و معماری اسلامی منتشر کرده است، او در هیئت تحریریه تاریخ هنر، پرسیکا، آساف، هنر اسلامی و مجموعه‌ی دیوید و مطالعات آکسفورد در هنر اسلامی تلاش کرده است. او همچنان در شوراهای مدرسه باستان شناسی بریتانیا در اورشلیم، تحقیقات بریتانیا در شام و موسسه مطالعات فارسی بریتانیا خدمت کرده است او در سال 2018 در جریان کنفرانس انجمن مطالعات ایران در دانشگاه کالیفرنیا جایزه یک عمر دستاورد هنری به او اهدا شد.

1-2 دیدگاه هیلن براند در مورد مقبره‌سازی

کتاب معماری اسلامی هیلن براند در سال 1984 به چاپ رسید و به بررسی آثار ارزشمند معماری در دوران پس از اسلام در جغرافیای اسلامی می پردازد. این استاد دانشگاه در بخش مقابر، قدمت تاریخی مقابر را دو قرن پس از پیامبر معرفی کرده و معتقد است شخص پیامبر اسلام هر گونه علامت گذاری قبر را نهی کرده‌اند ایشان در صفحه 315 کتاب خود آورده است: "اولین گروه مسلمانان که حضرت محمد را سرمشق خود می دانستند به شدت با هرگونه تظاهر در سوگواری، مرگ و میر و تدفین مخالف بودند. با اینکه قرآن در این مورد مشخصا سکوت کرده است، حدیث‌های متعدد نشان از همین مخالفت دارند. شیون و زاری، جامه دیدن، بر سر پاشیدن خاک و خاکستر و کلیه مراسم سوگواری نظیر آن به وضوح نکوهش

شده‌اند" (هیلن براند، 1386: 315) و در ادامه آورده است "برخی احادیث نشان می‌دهد که حضرت محمد سعی می‌کردند از هر کوششی برای علامت‌گذاری قبر به ویژه مزار خودش جلوگیری کنند" (هیلن براند، 1386: 315).

به اعتقاد هیلن براند این روش برخورد با مردگان شیوه‌ای مرسوم و پذیرفته شده در تفکر اسلامی بوده و تا مدت‌ها پس از ظهور اسلام چیزی به نام مقبره‌سازی وجود نداشته است و "به غیر از تعداد بسیار اندک، بقیه مسلمانان در دو قرن اول ظهور اسلام در قبرهای معمولی دفن شدند. تا حدی می‌توان گفت انزجار افکار عمومی در مورد معماری تدفینی غالب شده بود. تا قرن سوم هجری برخی خلفای عباسی کماکان درون خانه خود دفن می‌شدند (هیلن براند، 1383: 314). "با گذشت زمانی کمتر از یک نسل، کنار محل دفن با بنای مخصوصی علامت‌گذاری شد. با وجود دیدگاه‌های واضح، سادگی اماکن تدفین مرسوم در اوایل دین اسلام کنار گذاشته شد. به غیر از چند مورد کوچک، دیگر گذشته سرمشق قرار نگرفت" (هیلن براند، 1386: 315).

هیلن براند ساخت بنا بر قبور مسلمانان را امری پذیرفته شده در دین اسلام می‌داند که مسلمانان مدتی پس از رحلت پیامبر اسلام اقدام به احداث بناهایی از این دست کردند و به این امر غیر دینی رنگ و بویی شرعی بخشیدند "مخالفت با احکام آیین پذیرفته شده که قبلاً ظالمانه تلقی می‌شد، توانست خود را در شکلی مذهبی آشکار سازد. بدین نحو اولین آرامگاه‌های ثبت شده بر سر تربت یاران نامی پیامبر بنا گردید. به عبارت روشن‌تر بر سر مقبره‌های شهدای شیعه و شخصیت‌های برجسته عهد عتیق و عهد جدید احداث شدند" (هیلن براند، 1386: 316). "تمایل به وقف آرامگاه‌های غیر مذهبی نشانه‌ای مناسب از حال و هوای تقدس آرامگاه‌ها را در قلمرو اسلامی برمی‌گرفت. البته همان حال و هوا مشخصاً با احادیث روایت شده از خود پیامبر در تضاد بود، چرا که ایشان نفرت خود را از معماری تدفینی ابراز فرموده بودند. شاید بتوان این موضوع را به دو صورت تعبیر کرد: نخست به عنوان عکس‌العملی متداول در مقابل نوعی نهی آزردهنده و دوم به عنوان تلاشی بی‌ثمر برای گرمی داشتن وظایف مذهبی، آن هم در عین نادیده گرفتن آنها" (هیلن براند، 1386: 319). "دامنه و شهرت این بناهای یادبود که هر یک به طریقی آیین متداول را زیر پا می‌گذاشتند، به وضوح نشان‌دهنده این مطلب بود که نص شریعت اسلامی با پیکره عمده‌ای از دیدگاه‌های عوام‌الناس سازگار نیست. مع‌هذا در این موارد چه از نظر شکل یادمان و چه در کتیبه‌هایش، سرسپردگی به اسلام اظهار می‌شود" (هیلن براند، 1386: 342).

1-3 تاثیر آرای هیلن براند بر اندیشه پژوهشگران معماري

کتاب معماری اسلامی با توجه به اینکه یکی از کتب معتبر در حوزه معماری اسلامی می‌باشد معمولاً به عنوان منبع در پژوهش‌های این حوزه مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مبحث مقبره سازی نیز اکثر پژوهشگران که در این حوزه تحقیق کرده‌اند با استناد به این کتاب ساخت بنا بر مقابر را ناسازگار با دین اسلام معرفی کرده‌اند. در زیر نظریات برخی از پژوهشگران آورده شده است.

عبدالرحیم عناقه و دیگران در مقاله "ارتباط عرفان و هنر اسلامی و تجلی آن در معماری آرامگاه" ساخت مقابر را نسبت به دیگر بناهای اسلامی نظیر مساجد، حمام‌ها، و ... شروع دیر هنگام می‌داند و ساختمانی برای مشخص کردن قبور را خلاف سنت پیامبر می‌داند، ایشان یکسان کردن قبور با سطح زمین را نشان از برابری همه مومنین در موت و حیات دانسته که با عادات اسلامی کهن هماهنگ است. (عناقه و دیگران، 1391).

محمد ابراهیم زارعی و دیگران در مقاله "تاملی در باب هویت دو آرامگاه هشت‌ضلعی گنبددار کشیت و نسک؛ بخش گلباف کرمان" معتقد است مسلمانان در ابتدای دوره اسلامی از هرگونه یادگار رسمی برای مردگان رویگردان بودند و پیامبر سفارش کرده بود که گورها هم سطح زمین باشند ایشان در ادامه آورده است که پس از قرون نخستین اسلامی در مورد رسوم تدفین سرپیچی‌های جزئی صورت گرفت و کم‌کم مدفن به عبادتگاه تبدیل شد (زارعی و دیگران، 1394).

علی رحمتی‌زاده و دیگران در مقاله "نقش محیط و فرهنگ در شکل‌گیری آرامگاه‌های دوره اسلامی در حاشیه جنوبی دریای خزر" به حدیثی از پیامبر اسلام استناد می‌کند که حتی نماز و دعا بر سر قبر ممنوع شده بود و مسلمانان مومن ترجیح می‌دادند در قبرهای بی نشان دفن شوند. او عنوان می‌کند در دو قرن ابتدایی دین اسلام انزجار افکار عمومی در مورد معماری تدفینی غالب شده بود. (رحمتی‌زاده و دیگران، 1398).

رضا نظری ارشد در پایان نامه خود با عنوان "بناهای آرامگاهی همدان در دوره اسلامی" عنوان می‌کند که اندیشه اولیه اسلامی هرگونه تجلیل معمارانه را در بنای مقابر محکوم می‌کند و تسویه قبور و برابر سازی گورها را شایسته می‌داند؛ در دین اسلام هرگونه عزاداری بر مردگان مذموم است که در ابتدا توسط مسلمانان محترم شمرده می‌شد ولی پس از مدتی مورد بی توجهی قرار گرفت. (نظری ارشد، 1385).

محمدحسین عابدی و حسن ابراهیمی در مقاله "گونه شناسی بناهای آرامگاهی معماری ایران دوران اسلامی" نه تنها فقدان فیزیکی بلکه بنیاد اسلامی را نیز سد راه توسعه ساختمان‌های آرامگاهی می‌داند و بر مبنای کتاب هیلن براند روایت پیامبر را مطرح می‌کند که به مومنان توصیه کرده‌اند که گورها هم سطح زمین باشند توصیه ای که با گذشت زمان نه از طرف اعراب و نه از طرف ایرانیان مورد توجه قرار نگرفت (عابدی و دیگران، 1394: 3).

بهرنگ بلوهر در مقاله "نقش‌های انسانی و جانوری در نگاره‌های آرامگاه‌های اسلامی" سده‌های نخستین دوران اسلام در ایران را عاری از هرگونه بنای آرامگاهی می‌داند و با استناد به کتاب معماری اسلامی هیلن براند تسویه القبور را مطرح می‌نماید اما پس از مدتی برای امامزادگان، علما و بزرگان کشوری و لشکری بناهای آرامگاهی ساخته شد (بلوهر، 1390).

بنت الهدی نثاری و دیگران در مقاله "تاثیر بناهای آرامگاهی مذهبی در شکل‌گیری شهرهای ایران دوره اسلامی نمونه موردی: نقش امامزاده علی الصالح در شکل‌گیری شهر صالح آباد (استان ایلام)" عدم ساخت بناهای آرامگاهی در دو قرن اول را مطرح می‌نماید (نثاری، 1395).

دکتر مهناز شایسته‌فر و دیگران در مقاله "تجلی اسماء مقدس در تزئینات معماری امامزادگان و مقابر سده‌های چهاردهم/هشتم شهر قم" در مقدمه عنوان می‌نماید که جامعه‌ی نخستین اسلامی احداث بنای یادبود را بر محل دفن شایسته نمی‌دانست و بر آن بود تا حیات مادی انسان را بر جهان خاکی به سادگی پایان بخشد. پس از چندی آن سادگی پیشین از میان رفت و به تدریج بناهای یادبود بر فراز قبر بزرگان دین و خلفا شکل گرفت (شایسته‌فر، 1389).

سیده فائزه موسوی و دیگران در مقاله "بررسی مقابر دوره سلجوقی (نمونه موردی مقبره سه گنبد ارومیه)" در چکیده خود برجسته کردن قبور و ساخت بنا بر روی آن را مورد نهی بسیاری از مذاهب اسلامی می‌داند ایشان در مقدمه روایتی از پیامبر مبنی بر هم‌سطح بودن گورها را بررسی می‌کند که نسبت به این منع به گونه محسوسی بی‌توجهی شد و ساخت آرامگاه بر روی قبور اولیا و افراد مهم مذهبی شروع شد (موسوی و دیگران، 1398).

بهزاد مسعودی اصل و دیگران در مقاله "مبانی معماری مقابر امامزادگان در ایران" معتقد است ساختار آرامگاه سازی در دین مبین اسلام به شدت زیر سوال می‌رود به طوری که پیامبر فرمودند بر روی قبر هیچ بنایی ساخته نشود بلکه لازم است قبر با زمین به طور کامل هم‌سطح باشد و بدین ترتیب در صدر اسلام اثر خاصی از آرامگاه‌سازی دیده نمی‌شود (مسعودی اصل و دیگران، 1397).

2. مبحث دوم: مقابر اسلامی از نگاه قرآن

"از نگاه شیعیان، اولیاءالله چونان حکمرانان و والیان حقیقی جهان‌اند و برتر از امیران و سلاطین دنیا که همواره مغلوب هواهای نفسانی خود بوده‌اند. به همین جهت در عالم اسلام دو گونه مقبره دینی و دنیوی به وجود آمد که مقبره‌های دینی سرشار از معنویت و روحانیت است و مقبره‌های دنیوی سراسر پوشیده شده از وسایل زر و زور دنیوی و شیوه زندگی آنها. اولیا الهی همچنان که در زمان حیات دنیا واسطه فیض الهی بودند در دوران غیبت در دنیا نیز با بهره‌مندی از جاودانگی روح می‌توانند به گونه‌ای منشا فیض باشند. در تفکر شیعی فیض به واسطه امام و نبی معصوم دائمی است و اولیا حقیقی همانا انبیا و امامان معصومانند" (عناقه، 1393: 161).

قرآن کریم به عنوان مکتوب وحیانی و حجت الهی معیار بسیار با اهمیتی برای مسلمانان بوده است آقای هیلن براند معتقد است در قرآن به عنوان کتاب مقدس مسلمانان هیچگونه بیانی در رد یا تایید ساخت مقبره بر مزار اولیای الهی نیامده است. لذا در این پژوهش به این مساله پرداخته و آیات مرتبط با موضوع مورد تحقیق و بر مبنای تفاسیر مذاهب مختلف بررسی می‌گردد.

2-1 ساخت بنا بر روی قبور اولیای خدا

مهمترین آیه ای که کلمه مسجد در کنار مزار اولیا خدا آورده شده است آیه 21 سوره کهف می‌باشد:

«وَ كَذَلِكَ أَعْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيُعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ بَيْنَا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا» (کهف/21)

همانگونه که از معنای آیه مشخص است بحث ساخت مکانی بر روی قبور اولیای خدا مورد اشاره قرآن کریم می‌باشد. این آیه به نزاع و اختلاف میان دو گروه اشاره شده است. گروهی معتقد بودند بنایی بر غار ساخته شود تا از دیدگان دور بوده و این واقعه رو به فراموشی رود و گروه دیگر که از اهل تقوا بودند معتقد بودند که باید بر مزار ایشان مسجدی ساخته شود. "در حالی که مؤمنان راستین که از این امر آگاهی یافته بودند و آن را سند زنده ای برای اثبات رستاخیز به مفهوم حقیقی اش می‌دانستند، سعی داشتند این داستان هرگز فراموش نشود، و لذا گفتند: ما در کنار مدفن آنها مسجد و معبدی می‌سازیم تا مردم یاد آنها را از خاطره‌ها هرگز نبرند به علاوه از روح پاک آنها استمداد طلبند (قال الذین غلبوا علی امرهم لنتخذن علیهم مسجدا)" (مکارم شیرازی و دیگران، 1380، ج 12: 382). فخر رازی از مفسران بزرگ اهل سنت گفته‌اند: "این گروه که پیشنهاد ساختن مسجد را دادند پادشاهان مسلمان و طرفداران اصحاب کهف بودند. برخی نیز معتقدند: آنان که پیشنهاد مسجد را دادند روسای شهر بودند تا در آنجا عبادت کرده و آثار اصحاب کهف را به سبب آن مسجد باقی بدارند" (فخر رازی، 1420، ج 21: 105).

نکته دیگر کلمه مسجد است که نشان می‌دهد کسانی که معتقد بودند باید بر مزار اصحاب کهف مسجد ساخته شود اهل دین و خداپرست بودند زیرا در ادبیات قرآن کریم مسجد مکانی برای عبادت خدا و سجده‌گاه معرفی شده است. "«این جمله (لنتخذن علیهم مسجدا) کلام موحدین است، شاهدش این است که گفتند مسجدی بنا کنیم، و نگفتند معبدی. چون مسجد در عرف قرآن، محلی را گویند که برای ذکر خدا و سجده برای او مهیا شده است و قرآن، بتکده و سایر معابد را مسجد نخوانده همچنان که خداوند در سوره حج، مسجد را در مقابل صومعه و بیع و قرار داده و فرموده «و مساجد یذکر فیها اسم الله» (طباطبایی، 1384، ج 13: 371).

همین معنا در روایتی از امیرالمومنین است که پس از وفات جوانان صالح برای ساخت بنایی بر مزار ایشان اختلافی میان کافران و یکتاپرستان شکل گرفت "در نتیجه یکتاپرستان و کافران جنگیدند و کافران شکست خوردند و یکتاپرستان به نظر خودشان عمل کردند و کافران بازگشتند و یکتاپرستان عبادتگاهی در کنار آنها ساختند و آن سخن خدای تعالی است: (قال الذین غلبوا علی امرهم لنتخذن علیهم مسجدا)" (طایبی، 1439، ج 8 ص 448- سیدبن طاووس، 1413: 654). نکته دیگری که از این آیه استنباط می‌شود کلمه «علیهم» بوده زیرا قرآن نیاورده است در کنار قبر مسجد بنا شد بلکه فرموده است بر روی قبور آنان مسجد ساخته شده است.

با توجه به این آیه ساخت بنایی برای عبادت خداوند بر مزار اصحاب کهف نه تنها نکوهیده نیست بلکه از خصوصیات موحدان است، از آن جهت که شان پیامبر و اهل بیت ایشان از آن جوانان صالح بالاتر است ساخت عبادت‌گاه به طریق اولی برای ایشان نیز جایز است.

2-2 رفعت مقام در بیوت انبیا

«فِي بُيُوتِ الَّذِينَ أَنْزَلْنَا اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» (نور/36)

"مقصود از کلمه رفع در آیه شریفه دو احتمال است: یا به بنا است یا به تعظیم و بالا بردن اگر مراد به رفع در «ان ترفع» بنا باشد که دلالت صریح بر بنای بر بیوت انبیا و اولیا دارد، خصوصا با در نظر گرفتن این که مدفن پیامبر و تعدادی از ائمه در خانه‌هایشان بوده است و اگر مراد به رفع، رفعت معنوی است، نتیجه آن اذن به تکریم و حفظ بیوت انبیا و اولیای الهی است که عموم آن شامل بنای بر قبور اولیای الهی و تعمیر آن نیز می‌گردد" (رضوانی، 1382، ج 2: 320) کلمه رفعت بیوت در این آیه معادل بلندی جایگاه و منزلت و تکریم آن است و غیر از آن به معنای دیوارهای برافراشته

² و اینچنین مردم را متوجه حال آنها کردیم، تا بدانند که وعده خداوند (در مورد رستاخیز) حق است؛ و در پایان جهان و قیام قیامت شکی نیست! در آن هنگام که میان خود درباره کار خویش نزاع داشتند، گروهی می‌گفتند: «بنایی بر آنان بسازید (تا برای همیشه از نظر پنهان شوند! و از آنها سخن نگویند که) پروردگارش از وضع آنها آگاهتر است!» ولی آنها که از رازشان آگاهی یافتند (و آن را دلیلی بر رستاخیز دیدند) گفتند: «ما مسجدی در کنار (مدفن) آنها می‌سازیم (تا خاطره آنان فراموش نشود) (ترجمه مکارم شیرازی).

3 (این نور) در خانه‌هایی است که خدا اذن داده [شان و منزلت و قدر و عظمت آنها] رفعت یابند و نامش در آنها ذکر شود، همواره در آن خانه‌ها صبح و شام او را تسبیح می‌گویند. (ترجمه انصاریان)

نیز دارد چنانکه در آیه «إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ» بالا بردن پایه های کعبه مستفاد می‌گردد. در تفسیر نمونه نیز آیت الله مکارم شیرازی آورده است "خداوند در این آیه می‌فرماید: این مشکاه در خانه هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده که دیوارهای آن را بالا برند و مرتفع سازند" و در ادامه آورده است "این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که این بیوت همان مراکزی است که به فرمان پروردگار استحکام یافته و مرکز یاد خدا است و حقایق اسلام و احکام خدا از آن نشر می‌یابد" (مکارم شیرازی، 1380، ج 14: 470).

اما منظور از کلمه بیوت در این آیه به کاربردهای مختلفی اطلاق می‌گردد و بر مبنای روایات معصومین منازل اهل بیت یکی از این بیوت است و در عصر حاضر بالاترین بیوت حرم‌های مطهر ائمه معصوم می‌باشد. "ابوصیر گوید از امام صادق درباره آیه «فی بیوت اذن الله» سوال کردم و آن حضرت فرمود منظور خانه های پیامبر است" (طایبی، 1439ق، ج 10: 260 و کلیبی، 1363، ج 8: 331) همچنین "بریده گوید پیامبر اکرم آیه فی بیوت اذن الله را خواند مردی از جای خود بلند شد پرسید ای رسول خدا (منظورش کدام خانه‌ها است) فرمود خانه انبیا. ابوبکر از جای خود بلند شد و گفت: ای رسول خدا این خانه از آن‌ها است؟ (و به خانه علی و فاطمه اشاره کرد) فرمود: آری از بهترین آن‌ها است" (طایبی، 1439ق، ج 10: 262 و مجلسی، 1386، ج 23: 325 و سیوطی، ج 5: 50).

"امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه کبیره می‌فرماید: «جَعَلَكُمْ بَعْرَشِهِ مُحَدِّقِينَ حَتَّىٰ مَنَّ عَلَيْنَا بِكُمْ فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ جَعَلَ صَلَواتِنَا عَلَيْكُمْ ۴»" (طایبی، 1439ق، ج 10: 266).

"امام باقر در دستور زیارت قبر مطهر امامان بقیع می‌فرمایند هر زمان به زیارت قبر ایشان رفتی قبر را مقابل خویش قرار بده و بگو: سلام بر شما امامان که اهل پرهیزکاری هستید. ... پاک بودید و اصل و نسب شما پاک بود، خدای جزادهنده به واسطه‌ی شما بر ما منت گذارد؛ و شما را در خانه‌هایی قرار داد که خداوند اذن فرموده [ادیوارهای] آن را بالا برند و در آن‌ها نام خدا برده شود، و درودمان بر شما را رحمتی برای ما و کفاره‌ی گناهانمان قرار داد" (طایبی، 1439ق، ج 10: 266 و مجلسی، 1386، ج 97: 203). همچنین در زیارت قبور ائمه اطهار این قبور را خانه‌ای از خانه‌های پیامبر معرفی می‌شود⁴ و باید مورد احترام قرار گیرد. بنابراین حرم‌های مطهر اولیای الهی از بیوتی است که خداوند در آیه فوق به آن اشاره نموده و دستور به ترفیع آن داده است. با توجه به تفاسیر مختلف از کلمه ترفع، علاوه بر رفعت معنوی (چون در این خانه‌ها خداوند تسبیح می‌شود) رفعت مادی و بلندی مکانی نیز برداشت می‌شود و در مورد بیوت، اهل سنت، بیوت را مساجد می‌گیرند در صورتی که در روایات خودشان، بیوت انبیا بیان شده است. مشخص می‌شود که مصادیق این بیوت علاوه بر مساجد، بیوت انبیا و اهل بیت عصمت و طهارت نیز می‌باشد (پورکریمی و معصومی، 1400: 4).

2-3 احترام و تبرک به آنچه به انبیا منتسب است

«وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ ۖ» (بقره/125).

از امام صادق نقل است که فرمود "همه باید دو رکعت نماز طواف واجب را پشت سر مقام ابراهیم (علیه السلام) به جای آورند؛ چرا که خداوند فرمود: وَ اتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ پس اگر آن دو رکعت را در مکان دیگری به جای آوری، باید آن نماز را دوباره بخوانی" (طایبی، 1439ق، ج 1: 660) و از ابن عباس منقول است "مقام ابراهیم تمام حج است" (طایبی، 1439ق، ج 1: 660 و قطب الدین راوندی، ج 1: 290).

"منظور از مقام ابراهیم، قطعه سنگی است که ابراهیم خلیل برای انجام دادن اعمال مختلف، از جمله ساختن خانه کعبه، عبادت پروردگار و پند و موعظه مردم، بر روی آن می‌ایستاد." (امری و دیگران، 1398: 138) بر مبنای این آیه خداوند جایی که مکان ایستادن حضرت ابراهیم بوده است را مکان عبادت و اقامه نماز می‌داند و چنانکه از روایات بر می‌آید این مکان دارای اهمیت بسیاری می‌باشد.

⁴ (پس به وسیله‌ی وجود شما بر ما منت نهاد، و شما را در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده [ادیوارهای] آن را بالا برند [تا از دستبرد

شیاطین در امان باشد]. و درودهایی را که ما بر شما می‌فرستیم)

⁵ اللَّهُمَّ اِنِّی وَ قَفْتُ عَلٰی بَابِ مِنْ اَبْوَابِ بُیُوتِ نَبِیِّکَ (کفعمی، 1405ق: 472)

⁶ (به یاد آر) هنگامی که ما خانه کعبه را مرجع امر دین خلق و مقام امن مقرر داشتیم و (دستور داده شد که) مقام ابراهیم را جایگاه پرستش خدا قرار دهید...

(ترجمه الهی قمشاه)

از طرف دیگر در آیه 248 سوره بقره تابوتی که بازمانده از آل موسی و آل هارون است مایه سکینه و آرامشی از ناحیه خداوند است⁷ در این که تابوت بنی اسرائیل و به عبارت دیگر صندوق عهد چه بوده است در روایات و تفاسیر ما و همچنین در کتب عهد قدیم سخن بسیار است و ابن عباس آورده است تابوت همان صندوقی بود که مادر موسی او را در آن گذاشت و به دریا افکند و موسی در واپسین روزهای عمر خود الواح مقدس را که احکام خدا بر آن نوشته شده بود به ضمیمه زره خود و یادگارهای دیگری در آن نهاد و به وصی خویش یوشع بن نون سپرد⁸ (مکارم شیرازی، 1380، ج2: 240).

بنابراین وقتی سنگی که محل ایستادن حضرت ابراهیم است و صندوق و آنچه بازمانده از حضرت موسی علیهم السلام می باشد مایه آرامشی از سوی خداوند متعال است مقدس دانستن ابدان شریف انبیا و اوصیا خلاف قرآن نبوده و حفظ آثار اهل بیت دارای ارزش می باشد. توجه به ابدان و محل دفن اولیای دین در روایات معتبر شیعی چون کامل الزیارات نیز مفصل بحث گردیده است. بنابراین علیرغم بیان هیلن براند مبنی بر عدم اعتنای پیامبر بر قبور و علامت گذاری آنها، این اماکن شریف، محل اعتنا و حتی زیارت کروییمان واقع شده است.

2-4 حضور بر قبر مومنان و دعا برای آنها

قران کریم در آیه 84 سوره توبه به پیامبر درباره منافقان چنین خطاب می کند:

«وَلَا تَصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَّتَّ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهٖ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ⁹» (توبه/84)

آیه مبارکه فوق به پیامبر امر می کند که بر مرده منافقان نماز مگذار و بر کنار قبرشان نایست بنابراین می شود از آیه فوق چنین استنباط کرد که "ایستادن در کنار قبر مومنان و دعا برای آنها جایز است، زیرا نهی در آیه مخصوص به منافقان است" (مکارم شیرازی، 1380، ج8: 72) و این نشان می دهد پیامبر در حالات مختلف در کنار قبر مومنان توقف می کرد و در حق آنان دعا می نمود وگرنه نهی از این امر، وجهی نداشت. لذا بیان هیلن براند مبنی بر تسویه القبور و ممنوعیت نماز و دعا بر قبور مورد نهی قران کریم نبوده است. جدای از آن در ادامه بررسی ها نشان خواهیم داد که ایستادن و دعا خواندن و انجام مناسک مذهبی نیاز به محلی برای رفاه حال زائران دارد.

3. مبحث سوم: مقبره سازی از منظر اهل بیت

"در مورد مقبره سازی در اسلام و مشروعیت آن طبق مفاهیم دینی، نظرات مختلفی بین اهل سنت و شیعه وجود دارد، ولی آنچه مسلم است اینکه مقبره سازی قبل از اسلام، در زمان پیامبر و بعد از آن وجود داشته است" (خیرجو سادات و دیگران، 1396: 84). هیلن براند شروع مقبره سازی را به دو قرن پس از رحلت پیامبر منتصب نموده و معتقد است هیچگونه روایتی مبنی بر ساخت مقبره وجود ندارد لذا در این مبحث دو بخش روایات و سیره اهل بیت مورد بررسی قرار می گیرد.

3-1 مقبره سازی از منظر روایات

الف) زیارت

زیارت کردن و سفر به قصد زیارت نبی گرامی اسلام و اولیای الهی مورد تاکید پیامبر و اهل بیت ایشان است و در کتب اسلامی دهها روایت فراوانی با مضمون زیارت پیامبر و فرزندان ایشان ذکر گردیده است تا حدی که به تواتر رسیده است. در زیر سه روایت از این احادیث را بیان می کنیم

1- حضرت ابی عبدالله نقل نمود که آن حضرت فرمودند: حضرت ابی عبدالله الحسین صلوات الله علیه به جناب رسول عرض کرد: پاداش کسی که شما را زیارت کند چیست: پیامبر فرمودند: پسر، کسی که من را در حال حیات و بعد از آن زیارت کند یا به زیارت تو و برادرت آید بر من لازم است که در روز قیامت به زیارتش رفته تا او را از عذاب گناهانش برهانم (ابن قولویه، 1377: 21).

⁷ پیغمبرشان به آنها گفت که نشانه پادشاهی او این است که تابوتی که در آن سکینه خدا و الواح بازمانده از خانواده موسی و هارون است و فرشتگانش به دوش برند برای شما می آید، که در آن برای شما حجتی است روشن اگر اهل ایمان باشید. (ترجمه مکارم شیرازی)
8 هرگز بر مرده هیچ یک از آنان، نماز نخوان! و بر کنار قبرش، (برای دعا و طلب آمرزش)، نایست! چرا که آنها به خدا و رسولش کافر شدند؛ و در حالی که فاسق بودند از دنیا رفتند! (ترجمه مکارم شیرازی)

- 2- پیغمبر اکرم فرمودند: کسی که من یا یکی از فرزندانم را زیارت کند روز قیامت به زیارت او آمده و وی را از هول و وحشت های آن روز می رهانم (ابن قولویه، 1377: 9)
- 3- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: هر کس به زیارت من آید، در روز قیامت شفیع او خواهم بود (حر عاملی، 1361، ج 10: 261).

روایات در باب اهمیت زیارت به حد تواتر از مذاهب مختلف مسلمان ذکر گردیده به حدی که هیچ گونه شبهه‌ای در مورد اهمیت آن باقی نمی‌گذارد، حال چگونه ممکن است اسلامی که به آسایش و امنیت مسلمانان اهمیت داده جمع مومنان را به زیارت فراخواند ولی ایجاد بنایی جهت آسایش و در امان بودن زائران از گرما و سرما در هنگام زیارت را منع کرده و ساخت بنایی برای عبادت خداوند در آنجا را نهی نماید. در صورتی که دلایل متعدد قرآنی-روایی که در باب ساخت بنا بر قبور بزرگان وجود دارد نیز وجود نداشت ایجاد بنایی بر قبور مطهر اولیای الهی جهت عبادت خداوند و زیارت قبر ایشان و در آسایش و امنیت بودن زائران کاری مرتبط با عقل و شرع می‌باشد.

ب) ساخت بنا بر قبور اولیا الهی

ساخت بنا بر قبور فرزندان پیامبر در روایات مختلفی عنوان گردیده است که در زیر به آنها اشاره می‌شود.

"شخصی از امام صادق پرسید: «کسی که قبر او یعنی امیر المومنین- را زیارت و تربت او را آباد کند چه پاداشی دارد؟ امام فرمودند: فرمود: «ای ابو عامر! پدرم از پدرش از جدش حسین بن علی (علیه‌السلام) از علی (علیه‌السلام) روایت کرده که: پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به من فرمود: "به خدا سوگند، در سرزمین عراق کشته و در آن جا دفن می‌شوی". گفتم: ای پیامبر خدا! هر کس قبور ما را زیارت کند و آنها را آباد سازد و به آنها رسیدگی کند، چه پاداشی دارد؟ فرمود: "ای ابو الحسن! خداوند، قبر تو و قبر فرزندان را بقعه‌هایی از بقعه‌های بهشت و عرصه‌ای از عرصات بهشت قرار داده است و به یقین، خداوند، دل‌های پاک‌سرشتان از خلقتش و برگزیدگان از بندگانش را چنان قرار داده که به سوی شما کشیده می‌شوند و در راه شما هرگونه خواری و آزار را تحمل می‌کنند، قبور شما را آباد می‌کنند و بسیار به زیارت آنها می‌روند، برای نزدیک شدن به پروردگار و به نشانه دوستی با پیامبر خدا. ای علی! آنان به شفاعتم ویژه هستند و بر حوض من (کوثر) وارد می‌شوند و آنان فردا در بهشت، زائران من‌اند. ای علی! هر کس قبور شما را آباد و به آنها رسیدگی کند، گویا در ساختن بیت المقدس، سلیمان بن داوود را یاری کرده است. هر کس قبور شما را زیارت کند، ثواب آن برابر با ثواب هفتاد حج واجب پس از حج واجب است و از گناهانش بیرون می‌آید، مثل روزی که از مادرش به دنیا آمده است ... لیکن برخی از مردم بی‌مقدار، همان گونه که زناکار را به خاطر زناپیش ملامت می‌کنند، زائران شما را هم به خاطر زیارت شما سرزنش می‌کنند. آنان بدترین امت من‌اند. هرگز مباد که شفاعتم بدانان رسد و بر حوض من وارد نخواهند شد." (شیخ مفید، 1416، ج 1: 228 و شیخ الطائفه، 1364، ج 6: 22).

در روایت دیگری از رسول خدا آمده است: "رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند که جبرئیل به او فرمود قصه ی شهادت ابی عبدالله ع را تا آنجا که گفت: خدا گروهی از امت تو را که کفار آنان را نمی‌شناسند و راجع به ریختن آن خونها به زبان و عمل و نیت شرکت نکرده اند مبعوث و مأمور می‌کند تا اجساد ایشان را به خاک بسپارند و برای قبر سید الشهداء ساختمانی را برپا می‌کنند که در آن گودی (قتلگاه) قرار دارد؛ که آن بنا علمی (نشانه ای) می‌شود برای اهل حق و وسیله ای برای رستگاری مؤمنین است" (نوری طبرسی، 1369 ج 10: 217).

بر مبنای روایات فوق ساخت بنا بر مزار فرزندان پیامبر و آباد کردن آن از سفارشات رسول خدا بوده و همتراز با ساخت بیت المقدس معرفی گردیده و همچنین این بنا را نشانه ای برای اهل حق معرفی می‌فرمایند. بنابراین ساخت بنا بر تربت اولیای خداوند نه تنها از جانب رسول خدا نهی نشده بلکه مورد تاکید ایشان بوده است.

3-2 سیره مسلمانان صدر اسلام

"کشورگشایی‌های صدر اسلام نشانگر احترام به قبور پیامبران خدا در دیگر کشورها بود مسلمانان پس از فتح آن سرزمین‌ها تعرضی به قبور پیامبران نکردند بلکه خادمان آنجا را در ماموریت خود ابقا کرده و کوچکترین حساسیت منفی در برابر آنها نشان ندادند. اگر ساختن بنا بر قبور انبیا و اولیا کاری حرام و نشان شرک شمرده می‌شد، جا داشت فاتحان منصوب از سوی خلفا به تخریب ابنیه مزبور پرداخته و در نابودی آنها بکوشند، در حالی که کوچکترین تغییری در آنها نداده و به همان نحوی که قبلا اداره می‌شد ابقا نمودند. به علاوه در صدر اسلام نیز، مسلمانان پیکر پاک پیامبر خود را در خانه وی به خاک سپردند و به ذهن هیچ یک از صحابه خطور نکرد که ساختن بنا بر قبور حرام است" (سبحانی، 1388: 77).

در روایات اهل سنت نیز بر ساخت بنا بر روی قبور در صدر اسلام اشاره شده است: بخاری در صحیح روایت کرده: "بعد از وفات حسن بن علی همسر او تا یک سال قبه ای بر قبر او زد و به عزاداری پرداخت" (بخاری، 1410، ج 2: 394). "بخاری نقل می کند که بعد از وفات عبدالرحمن بن ابی بکر، عایشه دستور داد تا سر قبر او خیمه ای زده شود و کسی را نیز موکل بر قبر نمود" (بخاری، 1410، ج 2: 119). همچنین در کتاب الطبقات الکبری آمده است "در روز خاکسپاری زینب (همسر پیامبر) گرمای هوای شدت یافت، از این رو خلیفه دستور داد روی قبر خیمه ای نصب شود که آن را نخستین خیمه نصب شده بر قبر در اسلام دانسته اند" (ابن سعد، ج 8: 112-113 و بلاذری، ج 1: 524)

از وجه دیگر در کتب اسلامی به نقل از بزرگان دین و فرزندان پیامبر آدابی برای زیارت بیان می گردد که نشان می دهد در همان زمان بنایی بر قبور ائمه اطهار وجود داشته است که در ادامه به برخی از این موارد اشاره می گردد

"حضرت ابو عبدالله در توضیح آداب زیارت قبر مطهر امام حسین به زائر هنگامی که درب حرم می ایستد سفارشیانی بیان می کنند و در انتهای دعا می فرماید پس از درب حرم حرکت کن و به طرف قبر برو که برای هر قدمی که از زمین برداشته و بر روی آن می گذاری ثوابی همچون ثواب کسی که در راه خدا به خون آغشته شده باشد" (ابن قولویه، 1377: 667). "در زیارت نامه امام حسین پس از زیارت قبر مطهر آمده است پس از آن محوطه سرپوشیده بیرون بیا و در مقابل قبور شهدا بایست و ..." (ابن قولویه، 1377: 747). این روایات نشان دهنده وجود بنایی مسقف و درب ورودی بر قبر مطهر در دوران اولیه اسلام می باشد.

به گواه تاریخ ساخت بنا بر قبور ائمه اطهار در سده ابتدایی ظهور اسلام وجود داشته است و مسلمانان بر قبور اولیای الهی مخصوصاً قبر مطهر امام حسین ساختمان بنا کرده اند. برخی محققین اولین بنای ساخته شده بر قبر مطهر امام حسین را به طایفه بنی اسد و سپس مختار ثقفی نسبت می دهند (سماوی، 1432ق)، اما گروهی دیگر این را حدس و گمان می دانند. باری، ساختمان اولیه در دوران های قبل از خلافت هارون الرشید برپا گشته بود "چنانکه بر قبر امام حسین مسجدی ساخته بودند و این مسجد در دوران بنی امیه و بنی عباس تا خلافت هارون الرشید، همواره بر پا بود. اما هارون الرشید آن را خراب کرد و درخت سدری را که کنار قبر مطهر روییده بود قطع نمود و محل قبر را صاف و با زمین یکسان کرد" (امین عاملی، 1421: ج 40: 304). دومین ساختمانی که بر قبر مطهر امام حسین بعد از ویرانی ساختمان نخستین به دستور هارون الرشید ساخته شد در سال 193 بوده است، محل قبر مطهر امام حسین شناسایی و برای حائر، ساختمان عظیمی بنا گردید و تا سال 232 برپا بود. متوکل عباسی از سال 232 تا سال 247 چهار مرتبه دستور داد قبر مطهر امام حسین را خراب کنند و زمینش را شخم بزنند و اثری از آن بر جای نگذارند (کلیددار، 1389: 222).

با بررسی مطالب فوق مشخص می گردد که علیرغم نپهی مطرح شده از سوی هیلن براند مبنی بر عدم زیارت و اهمیت دادن به قبور اسلامی تاریخ اسلام نشان گر آن است که مسلمانان برای این قبور احترام قائل بوده اند و در کشورگشایی های خود به قبور منتسب به پیامبران تعرضی نکرده و آنها را محترم شمرده اند. همچنین مسلمانان پیامبر خود را در مکانی سرپوشیده دفن کرده و بر قبور فرزندان رسول اکرم بنایی احداث کرده اند و در جهت تعمیر و تکریم این مکان ها همت می گماشتند و از طرف دیگر دشمنان ایشان همواره قصد تخریب و از بین بردن این قبور و به فراموشی سپردن هر گونه آثار از ایشان بودند. بنابراین بر مبنای تاریخ اسلام بی احترامی به قبور و مکان زدایی از سیره مسلمین نبوده بلکه تاریخ نشان گر آن است که مسلمانان برای این قبور عظمت قائل بوده و بر آن قبور بنایی می ساختند و این عمل را روشی برای نشان دادن دلدادگی و ارادت خود به پیامبر و نزدیکان ایشان می دانستند.

نتیجه گیری:

کتاب معماری اسلامی نوشته رابرت هیلن براند معماری مقابر مذهبی را دور از آیین اسلام دانسته که روایات متعددی نشان دهنده این نپهی از سوی پیامبر می باشد ایشان همچنین تاریخ اولیه اسلام را فارغ از هرگونه مقبره سازی می دانند که پس از گذشت سه قرن مسلمانان از این عقیده بازگشته و به آن رنگ و بویی مذهبی دادند هیلن براند همچنین علامت گذاری و زیارت قبور را مورد نپهی اسلام میدانند. در این پژوهش ساخت بنا بر قبور اولیای الهی در سه بخش آیات، روایات و سیره مسلمانان مورد بررسی قرار گرفت و نتایج زیر تحصیل گردید.

9 لَمَّا مَاتَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ، صَنَرَبَتِ امْرَأَتُهُ الْقَبَّةَ عَلَى قَبْرِهِ سَنَةً، ثُمَّ رَفَعَتْ، فَسَمِعُوا صَائِحًا

- 1- بر مبنای قران کریم (کهف/21) ساخت بنا بر قبور اولیای الهی سیره موحدان بوده است.
- 2- روایات متواتر نشانگر آن است که از بهترین خانه‌هایی که خداوند اذن به ترفیع آن داده (نور/36) خانه‌های اهل بیت بوده که علاوه بر بالا بودن جایگاه رفعت بنا نیز مورد نظر می‌باشد.
- 3- بر مبنای آیات قران کریم (بقره/125 و بقره/248) تکریم و تبرک به آنچه بازمانده از اولیای الهی می‌باشد خلاف قران نبوده و حفظ و توقیر آثار ایشان بایسته می‌باشد.
- 4- روایات بسیار زیادی نشان‌دهنده اهمیت زیارت قبور اولیای الهی می‌باشد بنابراین ساخت بنایی بر قبور ایشان جهت امنیت و آسایش زائران و عبادت خداوند ضرورت داشته است.
- 5- پیامبر اسلام بر آباد کردن مزار امیرالمومنین و فرزندان ایشان تاکید داشته است.
- 6- ابنیه باقی مانده از مرقد پیامبران مورد احترام مسلمانان صدر اسلام بود.
- 7- تاریخ اسلام گواهی بر وجود بنا بر قبور ائمه اطهار در ادوار اولیه اسلامی دارد.
- 8- دشمنان اهل بیت همواره قصد تخریب مقابر و دوستان ایشان قصد تعمیر و تکریم آن مکان را داشتند.

منابع:

- 1- قران کریم
- 2- امری، معصومه و آدینه، روح الله (1398)؛ بررسی جایگاه مقام ابراهیم در مناسک حج، فصلنامه علمی-ترویجی میقات حج، دوره 28، شماره 110، صص 137-156.
- 3- امین عاملی، سیدمحسن (1421ق)؛ اعیان الشیعه، انتشارات دارالتعارف، بیروت.
- 4- بخاری، محمد بن اسماعیل (1410)؛ صحیح البخاری، لجنة احیاء کتب السنه، جمهوری مصر العربیه.
- 5- بغدادی، محمدبن سعد (1414)؛ الطبقات الکبری، مکتبه الصدیق، طائف.
- 6- بلوهر، بهرنگ (1390)؛ نقش‌های انسانی و جانوری در نگاره‌های آرامگاه‌های اسلامی، فصلنامه علمی-پژوهشی هنرهای تجسمی نقش‌مایه، سال چهارم، شماره هشتم.
- 7- پورکریمی، مرضیه و معصومی، جمشید (1400)؛ ادله قرآنی و روایی ساخت بنا بر قبور پیشوایان دین، مجله فقه و تاریخ تمدن، دوره 6، شماره 3، صص 1-14.
- 8- جعفر بن محمد بن قولویه (1377)؛ ترجمه کامل زیارات، ترجمه سید محمدجواد ذهنی تهرانی، انتشارات پیام حق، تهران.
- 9- حر عاملی، محمد بن حسن (1361)؛ وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ویراستار: عبدالرحیم ربانی شیرازی، کتابفروشی اسلامیة، تهران.
- 10- خیرجو سادات، هاشم و فیضی، محمد و وثیق، بهزاد (1396)؛ تاثیر مذهب شیعه و اهل سنت بر شکل‌گیری مقابر دوره ایلخانی، فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، سال سوم، شماره دوم، صص 83-95.
- 11- رحمتی‌زاده، علی و سلطان‌زاده، حسین و اعتصام، ایرج و مختاباد امرئی، سیدمصطفی (1398)؛ نقش محیط و فرهنگ در شکل‌گیری آرامگاه‌های دوره اسلامی در حاشیه جنوبی دریای خزر، دوفصلنامه اندیشه معماری، سال سوم، شماره پنجم، صص 60-83.
- 12- رضوانی، علی‌اصغر (1387)؛ شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، نشر مشعر، چاپ پنجم، تهران.
- 13- زارعی، محمدابراهیم و حیدری باباکمال، یداله و منتظرظهوری، مجید (1394)؛ تاملی در باب هویت دو آرامگاه هشت ضلعی گنبددار و نسک؛ بخش گلباف کرمان، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره هشتم، سال سوم، صص 121-134.

- 14- سبحانی، جعفر (1388)؛ وهابیت، مبانی فکری و کارنامه عملی، انتشارات موسسه امام صادق،
- 15- سماوی، محمد (1432ق)؛ مجالی اللطف بارض الطف، العتبه العباسیه المقدسه، کربلا.
- 16- سید بن طاووس (1413)؛ التحصین لابن طاووس، موسسه دارالکتاب، قم.
- 17- شایسته‌فر، مهناز و صراف زاده، رامینه (1389)؛ تجلی اسماء مقدس در تزیینات معماری امامزادگان و مقابر سده‌های چهاردهم/هشتم شهر قم، نظریه مطالعات هنر اسلامی، دوره 7، شماره 13، صص 89-108.
- 18- شیخ الطائفه (1364)؛ تهذیب الاحکام، نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- 19- طایبی، نجاح (1439ق)؛ تفسیر اهل‌البیت علیهم السلام، نشر دارالهدی لاحیا، قم.
- 20- طباطبایی، سیدمحمدحسین (1384)؛ ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- 21- عابدی، محمدحسین و ابراهیمی، حسن (1394)؛ گونه‌شناسی بناهای آرامگاهی معماری ایران دوران اسلامی، همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران.
- 22- عناقه، عبدالرحیم و محمودیان، حمید و صابری زاده، رقیه (1393)؛ ارتباط عرفان و هنر اسلامی و تجلی آن در معماری آرامگاه، فصلنامه تخصصی عرفان اسلامی، سال دهم، شماره 40 صص 143-167.
- 23- فخر رازی، محمد بن عمر (1420)؛ التفسیر الکبیر، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان.
- 24- قطب الدین راوندی (1395)؛ فقه القرآن، محقق سید عباس هاشمی بیدگلی، انتشارات بنیاد فرهنگی امامت، قم.
- 25- کفعمی، الشیخ ابراهیم (1405)؛ المصباح-جنه الامان الواقیه و جنه الایمان الباقیه، انتشارات دار الرضی (زاهدی)، قم.
- 26- کلیددار، عبدالجواد (1389)؛ تاریخ کربلا و حائر الحسین، ترجمه مسلم صحابی، انشارات مشعر، تهران.
- 27- کلینی، محمد بن یعقوب (1363)؛ الکافی، دارالحدیث، قم.
- 28- مجلسی، محمدباقر (1386)؛ بحارالانوار، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- 29- مسعودی اصل، بهزاد و فرزین، احمدعلی و جوادی، شهره و براتی، ناصر (1397)؛ مبانی معماری مقابر امامزادگان در ایران، ماهنامه باغ نظر، شماره 64، صص 5-14.
- 30- مفید، محمد بن محمد (1413ق)؛ المزار، کنگره هزاره شیخ مفید، قم.
- 31- مکارم شیرازی، ناصر (1380)؛ تفسیر نمونه، نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- 32- موسوی، سیده فائزه و مرتضی، خسرونیا (1398)؛ بررسی مقابر دوره سلجوقی (نمونه موردی مقبره سه گنبد ارومیه)؛ پژوهش‌های مرمت و معماری ایرانی اسلامی، سال 2، شماره 2، صص 33-44.
- 33- نثاری، بنت الهدی و مرادی، ابراهیم و وثیق، بهزاد و صالحی، زینب (1395)؛ تاثیر بناهای آرامگاهی مذهبی در شکل‌گیری شهرهای ایران دوره سالامی-نمونه موردی: نقش امامزاده علی الصالح (ع) در شکل‌گیری شهر صالح آباد، نشریه باغ نظر، دوره 13، شماره 38، صص 29-36.
- 34- نظری‌ارشد، رضا (1381)؛ بناهای آرامگاهی همدان در دوره اسلامی، مجله اثر، شماره 39/38، صص 324-345.
- 35- نوری طبرسی، میرزا حسین (1369)؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، انتشارات آل‌البیت، قم.
- 36- هیلن براند، رابرت (1386)؛ معماری اسلامی، ترجمه ایرج اعتصام، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- 37- _____، _____ (1386) معماری اسلامی، ترجمه باقر آیت‌الله زاده، تهران، روزنه، چاپ ششم.